

"هشت فرمان" (شرحی بر فرمان هشت ماده ای امام خمینی (ره))

مهدی سبحانی فرد^۱

چکیده

اهداف: ۱- بررسی کامل فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره) و شرح عبارات آن ۲- تعیین میزان تطابق یا عدم تطابق آن با قانون اساسی و قوانین مصوبه بعدی ۳- مطابقت آن با قانون ۱۵ ماده‌ای احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (مصوب ۸۳/۲/۱۶) و استخراج موارد تطابق آن
روش: روش کار در این مقاله که در ۹ فصل تنظیم گردیده، چنین است که در هشت فصل ابتدایی به ترتیب موارد هشت‌گانه این فرمان در هر فصل مورد بررسی قرار گرفته و: ۱- ابتدا به شرح عبارات به کار رفته در هر ماده پرداخته شده، ۲- تطابق مواد قانون اساسی (مصوب سال ۶۸) با عبارات مندرج در همان ماده مورد مطالعه قرار داده شده است. ۳- عبارات آن ماده با برخی قوانین مصوبه جاری کشور از جمله ق.م.ا، ق.آ.د.ک، ق.آ.د.م، و... تطبیق داده شده و به موارد عدم تطابق در صورت وجود اشاره شده است.

یافته‌ها و نتیجه گیری: در هر مورد یافته‌ها در بطن مطالب ارائه و نتیجه‌گیری اعلام شده است.

واژگان کلیدی: امام خمینی (ره)، فرمان هشت ماده‌ای، ق.ا، ق.م.ا، ق.آ.د.ک، ق.آ.د.م

برخی علایم اختصاری

- ق.ا قانون اساسی
ق.م.ا قانون مجازات اسلامی
ق.ا.د.ک قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری
ق.آ.د.م قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی
ج.ا.ا جمهوری اسلامی ایران

۱- طلبه سطح ۲ حوزه علمیه مشهد: www.sobhani.blogfa.com

Email: mahdisobhanifard@gmail.com

مقدمه

شخصیت جهانی و انکارناپذیر رهبری فرزانه و پیری خردمند ما را به شناخت بیشتر این بزرگ‌مرد رهنمون ساخته و تبیین اندیشه‌هایش در تمام جنبه‌ها را مهم می‌نماید. در این مقاله که به همین منظور و با عنوان «هشت فرمان» نگاشته شده سعی بر آن شده است تا در یک نگاه اجمالی به شرح این فرمان ۸ ماده‌ای پرداخته شود؛ که البته باید اذعان داشت علم ناقص و قلم ناتوان نگارنده ممکن است از عهده این مهم آن‌گونه که شایسته شخصیت این فرزانه می‌باشد برنیامده باشد؛ لکن بر خود فرض دانسته است تا با اهداف زیر به این امر اقدام نماید:

- ۱- بررسی این فرمان و شرح برخی عبارات آن.
- ۲- تعیین میزان تطابق یا عدم تطابق آن با قانون اساسی و قوانین مصوبه بعد از آن. در این مقاله روش کار چنین بوده است که سعی شده است تا:
 - ۱- به شرح عبارات به کار رفته در هر ماده پرداخته شود.
 - ۲- تطابق مواد قانون اساسی (مصوب سال ۶۸) با عبارات مندرج در آن ماده مورد مطالعه قرار داده شود.
 - ۳- برخی عبارات آن ماده با برخی قوانین مصوبه جاری کشور از جمله ق.م.ا، ق.آ.د.ک، ق.آ.د.م و... تطبیق داده شود و به موارد عدم تطابق در صورت وجود اشاره شود.
- عباراتی که در داخل «» آورده شده عبارات نورانی حضرت امام (ره) می‌باشند.
- به هر حال بدیهی است که کمال مختص ذات حق تعالی است و این مقاله یقیناً دارای اشکالاتی است که تذکر آنان از سوی خبرگان و صاحب‌نظران موجبات خرسندی نگارنده خواهد بود.

بررسی مقدمه و ماده اول از فرمان امام (ره)

بررسی مقدمه فرمان

این فرمان که در مورخه ۱۳۶۱/۹/۲۴ افاضه گردیده با یک مقدمه دوخطی آغاز شده است؛ که آن را می‌توان به دو قسمت اصلی تقسیم کرد:

- ۱- تذکر: که دو تذکر به چشم می‌خورد:
 - الف) تذکر به لزوم اسلامی نمودن تمام ارگان‌های دولتی به ویژه دستگاه‌های قضایی.
 - ب) لزوم جانشین نمودن احکام الله در نظام جمهوری اسلامی به جای احکام طاغوتی رژیم سابق.
- ۲- مخاطب این تذکرات: «لازم است تذکراتی به جمیع متصدیان امور داده شود. امید است انشاء الله تعالی با تسریع در عمل این تذکرات را مورد توجه قرار دهند». (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۳۹)

قسمت اول: تذکر

قسمت اول: تذکر - بند الف)

«لزوم اسلامی نمودن» که حضرت امام (ره) بدان اشاره می‌کنند به عنوان امری مهم در قانون اساسی هم پذیرفته شده است؛ چنان که در مقدمه آن آمده است: «ملت ما [که] در جریان تکامل انقلابی خود از غبارها و زنگارهای طاغوتی زدوده شده و از آمیزه‌های فکری بیگانه خود را پاک نموده و به مواضع فکری و جهان‌بینی اصیل اسلامی بازگشت اکنون بر آن است که با موازین اسلامی جامعه نمونه (اسوه) خود را بنا کند.» (مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی (متن تجدیدنظرشده مورخه ۶/۵/۶۸)، ص ۱۸) که این مقدمه در بردارنده دو مهم «موازنه اسلامی» و «ساختن جامعه اسوه» می‌باشد.

این عمومیت گفتاری، باید در همه بنیادها جریان پیدا کند و بالطبع همه ارگان‌ها، که ارگان‌های دولتی بخشی از آن‌ها محسوب می‌شوند را هم در برمی‌گیرد. واضح است که عبارت «نهادهای و بنیادهای سیاسی» عمومیت کافی برای در بر گرفتن «تمام ارگان‌های دولتی» را دارد.

اما به راستی علت استثناء نمودن قوه قضاییه چیست؟ البته جایگاه ویژه این قوه بر کسی پوشیده نیست؛ اما در پاسخ به این سؤال اشاره می‌شود که امام (ره) در ماده دوم از همین فرمان دو دلیل می‌آورند: ۱- اینکه امور، شرعی و الهی شوند. ۲- حقوق مردم ضایع نشود؛ به ویژه از دیدگاه امام (ره) که مردم را ولی نعمت خود می‌داند (امام خمینی، همان، ج ۱۷، ص ۱۳۹).

قسمت اول: تذکر - بند ب)

مهم‌ترین فراز این جمله «لزوم جانشین نمودن احکام الله در نظام جمهوری اسلامی» است اصولاً نظام اسلامی نظامی است که احکام الله در آن حاکم‌اند. و از سویی جانشین نمودن احکام الله لازمه‌اش این است که قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلام باشند. در قانون اساسی آمده است: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی ... باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است» (اصل ۴ ق. ۱). این اصل به خوبی تأکید بر اسلامی بودن دارد. اما در مورد جانشین نمودن احکام الله در مقدمه قانون اساسی آمده است که: «اکنون قانون اساسی جمهوری اسلامی به عنوان بیانگر نهادها و مناسبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه باید راهگشای تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی و ارائه دهنده طرح نوین نظام حکومتی بر ویرانه‌های نظام طاغوتی قبلی گردد» (مقدمه ق. ۱، ص ۱۷).

قسمت دوم: مخاطب این تذکرات

آن گونه که آمده است این تذکرات خطاب به «جمعیت متصدیان امور» می‌باشد و این عبارت آن قدر عمومیت دارد که شکی نیست این عبارت همه مسئولین و متصدیان امر را دربرمی‌گیرد. پس اگرچه این فرمان خطاب به قوه قضاییه و ارگان‌های اجرایی افاضه شده است لکن بایستی گفت چراغی فرا راه همه متصدیان امر است. در ضمن بایستی که این تذکرات مورد توجه قرارگیرند؛ آن هم با تسریع در عمل. لذا دو موضوع «سرعت در عمل» و «توجه به تذکرات» را در فرمان متذکر شده‌اند. در مقدمه قانون اساسی آمده است: «نتیجتاً محصور شدن در هر نوع نظام دست و پا گیر پیچیده که وصول به این هدف^۱ را کند، یا خدشه‌دار کند از

۱. رسیدن به روابط و مناسبات عادلانه حاکم بر جامعه

دیدگاه اسلامی نفی خواهد شد ... تا نظام اجرایی با کارایی بیشتر و سرعت افزون‌تر در اجرای تعهدات اداری به وجود آید» (مقدمه ق. ۱، ص ۲۳).

بررسی ماده اول

این ماده را می‌توان در بردارنده دو قسمت اساسی دانست:

۱- سرعت و دقت لازم در روند طبیعی قوانین: «تهیه قوانین شرعیه و تصویب و ابلاغ آنها بادقت لازم و سرعت انجام گیرد.»

۲- در رأس قرار گرفتن مسائل قضایی: «قوانین مربوط به مسائل قضایی که مورد ابتلای عموم است و از اهمیت بیشتری برخوردار است در رأس سایر مصوبات قرار گیرد که کار قوه قضاییه به تاخیر یا تعطیل نکشد و حقوق مردم ضایع نشود و ابلاغ و اجرای آن نیز در رأس مسائل دیگر قرار گیرد.»

قسمت اول: سرعت و دقت لازم در روند طبیعی قوانین

اشاره مهم امام (ره) به سرعت و دقت لازم همان است که قوانین در روند طبیعی‌شان (تهیه، تصویب، ابلاغ) به آن نیازمندند. «دقت لازم» حق منطقی هر قانون است. البته هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که قانون مصوب از هر حیث، بی‌نقص و کامل باشد لکن دقت لازم بایستی - چه از سوی تهیه‌کنندگان آن و چه از سوی مصوبین و حتی از سوی ناظرین آن - صورت گیرد و چنانچه قانونی مغایر ولو در مرحله اجرا باشد هر کسی بتواند ابطال چنین قانونی را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند (اصل ۱۷۰ ق. ۱).

در مورد «تهیه قوانین» باید گفت که: «لوايح قانونی پس از تصویب هیئت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود.» (اصل ۷۴ ق. ۱) و در رابطه با «تصویب» متذکر می‌شویم که وضع قانون، طبق قانون اساسی بر عهده مجلس شورای اسلامی گذاشته شده است (اصل ۷۱ ق. ۱) و مجلس نمی‌تواند این اختیار را به دیگری واگذار نماید مگر در موارد ضروری (اصل ۸۵ ق. ۱)؛ البته مجلس می‌تواند تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل ۷۲ ق. ۱ به کمیسیون‌های ذی‌ربط واگذار نماید و یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد (همان)؛ ولی مصوبات مجلس در هر حال بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد، مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب ۶ نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان (اصل ۹۳ ق. ۱). البته قانون اساسی در اصل ۵۸ خود بر حق تصویب قوانین، برای قوه مقننه هم تصریح نموده است و علاوه بر مجریان قانون، بر مجلس فرض شده است که گزارش و مصوبات جلسات را پس از برطرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر نماید (اصل ۶۹ ق. ۱).

قسمت دوم: در رأس قرار گرفتن مسائل قضایی

در قسمت دوم از این ماده، امام (ره) متذکر می‌شوند که بایستی برخی مسائل در رأس قرار گیرند و در علت آن می‌فرمایند: تا «حقوق مردم ضایع نشود» و متذکر می‌شوند که این حفظ حقوق نه تنها در مرحله تصویب بلکه در مراحل ابلاغ و اجرا نیز بایستی در رأس مسائل دیگر قرار گیرند؛ باز هم به همان علت مذکور.

بررسی ماده دوم از فرمان امام (ره)

این ماده را شاید بتوان به دو قسمت اصلی تقسیم کرد:

۱- رسیدگی به صلاحیت‌ها: دو نوع رسیدگی به صلاحیت در این ماده مد نظر امام (ره) بوده است:

اول: رسیدگی به صلاحیت قضات و دادستان‌ها و دادگاه‌ها با سرعت و دقت عمل شود تا جریان امور شرعی و الهی شده و حقوق مردم ضایع نگردد. (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۳۹)

دوم: «به همین نحو رسیدگی به صلاحیت سایر کارمندان و متصدیان امور، با بی‌طرفی کامل، بدون مسامحه و بدون اشکال تراشی‌های جاهلانه - که گاهی از تندروها نقل می‌شود - صورت گیرد تا در حالی که اشخاص مفسد و فاسد تصفیه می‌شوند، اشخاص مفید و مؤثر با اشکالات واهی کنار گذاشته نشوند.» (همان‌جا)

۲- معیار در تعیین صلاحیت افراد: «میزان حال فعلی اشخاص است؛ با غمض عین از بعض لغزش‌هایی که در رژیم سابق داشته‌اند مگر آن که با قراین صحیح معلوم شود که فعلاً نیز کارشکن و مفسدند.» (همان‌جا)

قسمت اول: رسیدگی به صلاحیت‌ها

درباره رسیدگی به صلاحیت مقامات قضایی باید اشاره به قانون اساسی کنیم که می‌آورد: «صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود» (اصل ۱۶۳ ق.ا). در مورد صلاحیت قاضی و دادستان‌ها شرایط خاصی مد نظر است که در قوانین استخدامی مرتبط به آنها پرداخته شده است. اما مطلب بعدی رسیدگی به صلاحیت دادگاه‌هاست که در این مورد هم باب اول قانون آ.د.م تحت عنوان «در صلاحیت دادگاه‌ها»، قوانین لازمه را تصویب و تکلیف را معین نموده است. آیین دادرسی کیفری هم در مبحث سوم (از ماده ۵۱ تا ۵۸) به تعیین صلاحیت‌ها پرداخته است و مقرر می‌دارد: «حل اختلاف در صلاحیت، در امور کیفری طبق قواعد مذکور در کتاب آیین دادرسی در (امور مدنی) خواهد بود» (آ.د.ک، ماده ۵۸). البته قوانین دیگری مانند قانون حدود صلاحیت دادرسی و دادگاه انقلاب (مصوب ۶۲/۲/۱۱ مجلس شورای اسلامی)، و قانون تعیین حدود صلاحیت دادرسی و دادگاه‌های نظامی کشور (مصوب ۷۳/۵/۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام)، نیز به طور مجزا به تعیین صلاحیت‌ها پرداخته‌اند. رسیدگی به صلاحیت سایر کارمندان و متصدیان امور هم در قوانین و آیین‌نامه‌های استخدامی هر ارگان آورده می‌شود.

امام (ره) سه نکته را متذکر می‌شوند که هنگام رسیدگی باید مورد توجه قرار گیرند: اولاً رسیدگی «با بی‌طرفی کامل»، ثانیاً «بدون تسامح» و ثالثاً «دور از هر گونه اشکال تراشی‌های جاهلانه» باشد. اصل ۱۰۱ ق.ا که عبارت «به منظور جلوگیری از تبعیض» را آورده است، می‌تواند شاهی بر توجه مقنن بر اهمیت این امور باشد؛ و یا اصل ۱۰۴ ق.ا که عبارت «به منظور تأمین قسط اسلامی» را آورده است نیز مؤید این امور است. یکی دیگر از زیبایی‌های این ماده اشاره به این است که اولاً اشخاص فاسد و مفسد تصفیه شوند و ثانیاً اشخاص مفید و مؤثر با اشکالات واهی کنار گذاشته نشوند.

قسمت دوم: معیار در تعیین صلاحیت افراد

از نظر ق.ا که مقرر می‌دارد: «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد» (اصل ۳۷ ق.ا)، واضح است که اصل بر برائت است. لکن در اینجا

امام (ره) اشاره به نکته مهمی می‌فرماید و خطاب به متصدیان امر تذکر می‌دهند که برای رسیدگی به صلاحیت‌ها یادتان باشد: «میزان حال فعلی اشخاص است» پس چنانچه کسی مثلاً در رژیم گذشته لغزش‌هایی داشته است بایستی از آن چشم پوشید مگر آنکه با فراین صحیح معلوم شود که فعلاً هم کارشکن و مفسد است و عبارت «فراین صحیح» به نیکویی استفاده شده تا بیانگر آن باشد که هر گزارشی نمی‌تواند تعیین کننده سرنوشت افراد باشد؛ بلکه باید صحت آنها برای متصدیان امر محرز گردد. از سوی دیگر عبارت «بعض» بیان می‌کند که البته برخی جرایم و لغزش‌ها اگرچه در رژیم سابق رخ داده و شخص از انجام آنها برگشته لکن بزرگی و قباحت عمل به قدری است که نمی‌توان از آن گذشت.

بررسی ماده سوم از فرمان امام (ره)

مباحث مربوط به این ماده را شاید بتوانیم به چهار قسمت اصلی تقسیم کنیم:

- ۱- استقلال و قدرت قضات: «آقایان قضات واجد شرایط اسلامی - چه در دادگستری و چه در دادگاه‌های انقلاب - باید با استقلال و قدرت بدون ملاحظه از مقامی، احکام اسلام را صادر کنند و در سراسر کشور بدون مسامحه و تعویق به کار پراهمیت خود ادامه دهند.» (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۴۰)
- ۲- تبعیت مأمورین از احکام آنها: «و مأمورین ابلاغ و اجرا و دیگر مربوطین به این امر، باید از احکام آنان تبعیت نمایند تا ملت از صحت قضا و ابلاغ و اجرا و احضار احساس آرامش قضایی نمایند و احساس نمایند... که در سایه احکام عدل اسلامی جان و مال و حیثیت آنان در امان است.» (همان)
- ۳- عمومی بودن عمل به عدل اسلامی: «عمل به عدل اسلامی مخصوص به قوه قضاییه و متعلقات آن نیست، که در سایر ارگان‌های نظام جمهوری اسلامی از مجلس و دولت و متعلقات آن و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها و بسیج و دیگر متصدیان امور نیز به طور جدی مطرح است.» (همان)
- ۴- لزوم رعایت رفتار اسلامی بامردم: «احدی حق ندارد با مردم رفتار غیراسلامی داشته باشد.» (همان)

قسمت اول: استقلال و قدرت قضات

عبارت «قضات واجد شرایط اسلامی» در قانون اساسی این‌گونه آمده است که: «صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود» (اصل ۱۶۳ ق.ا). در این مورد قوانین مختلفی به تصویب رسیده‌اند که از آن میان می‌توان به «قانون شرایط استخدام قضات دادگستری» (مصوب ۶۱/۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی)، «قانون رسیدگی به صلاحیت قضات» (مصوب ۷۶/۲/۱۷ مجلس شورای اسلامی) و «قانون اجازه استخدام قضات به شورای عالی قضایی» (اصل ۳۲ ق.ا) اشاره نمود. البته مواد ۳۵ تا ۳۸ و ماده ۴۰ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری (مصوب ۵۶/۳/۲۵ مجلس شورای اسلامی) را هم نبایستی از خاطر برد. بدیهی است پس از به‌کارگیری قضات واجد شرایط اسلامی، آنها باید «با استقلال و قدرت و بدون ملاحظه از مقامی احکام را صادر کنند.»

مطلب دوم این است که «استقلال»، «قدرت» و «بدون ملاحظه مقامی» عبارتی پذیرفته شده برای جایگاه ویژه قضاوت است که صرفاً قاضی از آن برخوردار است. این اقتدار، حق قوه قضاییه‌ای است که پشتیبان

حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت، جزا دهنده مجرمین و احیاگر حقوق عامه و گستراننده آزادی‌های مشروع است (اصل ۱۵۶ ق.ا). به هر حال «مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است» (اصل ۱۵۹ ق.ا). به هر سو، ذکر رابطه بین این عبارات ضروری به نظر می‌رسد که استقلال و قدرت لازم و ملزوم یکدیگر و صدور حکم، بدون ملاحظه مقام افراد، ثمره این تلازم است.

از دیگر عبارات این ماده «در سراسر کشور» می‌باشد که طبق این فرمان قوه قضاییه مکلف است در مناطق مختلف سراسر کشور زمینه دادخواهی را برای همگان فراهم نماید. از سویی طبق قانون اساسی «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود» (اصل ۱۹ ق.ا) و یا اصل بیستم که بیان می‌کند: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند» (اصل ۲۰ ق.ا). پس نمی‌توان گفت که یک ایرانی به صرف اینکه در یک منطقه صعب العبور زندگی می‌کند از این حق محروم است». البته قوه قضاییه به حمد الله این مهم را مدنظر قرار داده است و «قانون تشکیل دادگاه‌های سیار» (مصوب ۶۶/۶/۱ مجلس شورای اسلامی) یکی از نمونه‌های بارز این حرکت است.

از دیگر عبارات در تذکرات امام (ره) به قوه قضاییه، «بدون مسامحه» و «تعویق» است که قضات بایستی در کار مهم خود به آن توجه داشته باشند. واژه بدون مسامحه، یادآور اصل ۱۶۷ قانون اساسی است که قاضی را مکلف به صدور رأی می‌کند و در رابطه با عبارت «تعویق» باید گفت که قوانین مدون، قاضی را ملزم کرده‌اند که در همان جلسه دادرسی پس از ختم رسیدگی، مبادرت به صدور رأی نماید؛ مگر این که این امر متوقف بر تمهیداتی باشد که در این صورت بایستی در اولین فرصت حداکثر ظرف یک هفته به این امر مبادرت ورزد (ق.ا.د.ک، ماده ۲۱۲).

قسمت دوم: تبعیت مأمورین از احکام قضات

قانون می‌گوید: «مقامات رسمی و ضابطین دادگستری موظفند دستورات دادرسان و قضات تحقیق را فوری به مقام اجرا گذارند» (همان / ماده ۴۵). در یک ماده می‌آید که «تخلف مأمورین ابلاغ در انجام وظایف خود و گزارش خلاف واقع آنان در امور مربوط به وظایفشان مشمول مجازات مقرر قانونی است» (همان، تبصره ماده ۱۲۹). البته موادی چون ماده ۶۴ و ۶۸ و ۳۰۰ آ.د.م نیز به وظایفی از این دست اشاره می‌نمایند.

امام (ره) در ادامه به دو ثمره بسیار مهم برای این اقدامات اشاره می‌فرمایند:

- ۱- ملت از صحت قضا و ابلاغ و اجرا و احضار، احساس آرامش قضایی نمایند.
- ۲- احساس نمایند که در سایه احکام عدل اسلامی جان، مال و امنیت آنان در امان است. (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۴۰)

اصل بیستم قانون اساسی هم، همه افراد ملت را در حمایت قانون می‌داند اعم از زن و مرد و البته که موارد مذکور از تعرض مصون‌اند (طبق اصل ۲۲ ق.ا)، لکن مهم این است که مردم این امنیت را احساس نمایند.

قسمت سوم: عمومی بودن عمل به عدل اسلامی

تامین قسط اسلامی یکی از دغدغه‌های مقنن بوده است که در اصل ۱۰۴ ق.ا هم به آن تصریح شده است، اتفاقاً بند ج اصل ۲ قانون اساسی هم از قسط و عدل یاد کرده است همچنین مقدمه قانون اساسی هم دستگاه قضا را بر پایه عدل اسلامی پیش‌بینی کرده (مقدمه قانون اساسی، ص ۲۳) و به آیه اِذَا حُكِمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ انْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ (نساء، آیه ۵۸) استناد نموده است.

در این قسمت از فرمان، امام (ره) متذکر می‌شوند که عمل به عدل اسلامی مخصوص به یک گروه یا قشر خاصی نبوده بلکه برای همگان به طور جدی مطرح است و چگونه می‌توان آن را منحصر در یک قوه یا ارگان یا نهاد خاص نمود؟ لذا به فرموده حضرت امام (ره): «عمل به عدل اسلامی مخصوص به قوه قضاییه و متعلقات آن نیست، که در سایر ارگان‌های نظام جمهوری اسلامی - از مجلس و دولت و متعلقات آن و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها و بسیج و دیگر متصدیان امور - نیز به طور جدی مطرح است.» (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۴۰)

قسمت چهارم: لزوم رعایت رفتار اسلامی با مردم

امام (ره) در فراز آخر از ماده سوم این فرمان هدایتگر متذکر می‌شوند که: «احدی حق ندارد با مردم رفتار غیراسلامی داشته باشد.» (همان) که البته اصول ۱۹ و ۲۰ و ۲۲ ق.ا همگی دلالت بر همین دارد و حتی اصول ۳۸ و ۳۹ ق.ا هم هر گونه رفتار غیر اسلامی را با هر کسی حتی زندانیان و تبعیدشدگان ممنوع دانسته است.

بررسی ماده چهارم از فرمان امام (ره)

این ماده را شاید بهتر باشد به دو قسمت اصلی تقسیم کنیم:

- ۱- منع توقیف یا احضار بدون حکم قاضی: «هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باشد توقیف کند یا احضار نماید؛ هرچند مدت توقیف کم باشد.» (همان)
- ۲- توقیف یا احضار به عنف: «توقیف یا احضار به عنف جرم است و موجب تعزیر شرعی است.» (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۴۰)

قسمت اول: منع توقیف یا احضار بدون حکم قاضی

در این ماده امام (ره) متذکر می‌شوند که هیچ کس حق ندارد کسی را حتی برای مدت کم توقیف یا احضار نماید مگر به حکم قاضی آن هم از روی موازین شرعیه؛ البته واضح است که منظور از «قاضی» در اینجا به طور مطلق مقام قضایی اعم از قضات یا بازپرس یا دادستان است. اصل ۳۲ ق.ا می‌آورد: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل، طبق قانون، مجازات می‌شود» (اصل ۳۲ ق.ا).

در تذکر امام (ره)، عبارت «هر چند مدت توقیف کم باشد» آمده است؛ لکن قانون اساسی در اصل ۳۲ خود، این اجازه را به مقام قضایی داده است و فقط او را ملزم نموده که بلافاصله دلایل را کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم نماید که البته از تذکر امام (ره) چنین اجازه‌ای برداشت نمی‌شود مگر اینکه قبول کنیم که منظور از قاضی در اینجا مقام قضایی است و ذکر دلایل و ابلاغ و تفهیم آن بایستی از سوی مقام قضایی باشد. پس مثلاً ضابطین دادگستری بدون مجوز ایشان چنین حقی را ندارند. به همین علت در ابتدای این بحث متذکر شدیم که منظور از مقام قضایی بازپرس، دادستان و قاضی است که طبق قانون از چنین حقی برخوردارند.

قسمت دوم: توقیف یا احضار به عنف

درباره توقیف یا احضار در قسمت قبل سخن به حد حوصله تقدیم گردید در این قسمت با واژه «عنف» رو به رو می‌شویم اگر چه بایستی قبول کرد که این جرایم بدون توسل به عنف هم قابل تصور می‌باشد در ق.م.ا عبارت عنفا آمده است: «هر کس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیت‌دار در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده شخصی را توقیف یا حبس کنند یا عنفا در محلی مخفی نمایند به ... سال حبس یا جزای نقدی ... محکوم خواهد شد» (همان، ماده ۵۸۳).

بررسی ماده پنجم از فرمان امام (ره)

این ماده در بردارنده بیش از یک قسمت نمی‌باشد:

احترام به اموال و حقوق دیگران: «هیچ کس حق ندارد در مال کسی - چه منقول و چه غیرمنقول - و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید؛ مگر به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق و ثبوت حکم از نظر شرعی.» (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۴۰)

احترام به اموال و حقوق دیگران

در این ماده امام (ره) به یکی از مهم‌ترین حقوق افراد اشاره می‌نماید. ایشان (ره) در ابتدا واژه «هیچ کس» را به طور مطلق می‌آورند تا متذکر شده باشند که کسی نمی‌تواند به بهانه مأمور بودن یا ...، مزاحم اموال یا حقوق مردم شود. در قانون اساسی آمده است که: «حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند» (اصل ۲۲ ق.ا) و «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند» (اصل ۴۷ ق.ا).

واژه «حق» که در این ماده آمده است آن قدر مطلق است که اموال را هم دربرمی‌گیرد. این حقوق اعم از حقوق مادی مثل حق مسکن، شغل و ... و حقوق معنوی مثل حیثیت افراد می‌باشد که در ابتدای این فصل با اشاره به اصل ۲۲ قانون اساسی به آن پرداخته شد.

در ادامه این ماده، امام (ره) بر اطلاق اول ماده «هیچ کس حق ندارد» استثنائی می‌زنند که «مگر به حکم حاکم شرع آن هم پس از بررسی دقیق و ثبوت حکم از نظر شرعی» و مسلماً حاکم شرع به عنوان دست و زبان قانون، مجاز به محدود یا محروم کردن افراد از این حقوق است اما نه به طور سلیقه‌ای و به صرف حاکم

شرع بودن بلکه صدور حکم از ناحیه حاکم شرع هم بایستی پس از بررسی دقیق ثبوت حکم از نظر شرعی باشد. در قانون اساسی آمده است که «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است» (اصل ۱۶۶ ق.ا) و حتی مقنن متذکر می‌شود در صورتی که به علت اشتباه قاضی کیفر مورد حکم متناسب با جرم نباشد از موارد اعاده دادرسی است؛ اگر چه حکم قطعی شده و یا حتی اجرا شده باشد (ماده ۲۷۲ آ.د.ک). و باز قانون به مدعی خلاف شرع یا قانون بودن رأی اجازه می‌دهد تا در مهلت مقرر تقاضای نقض حکم را بنماید (ماده ۲۶۸ آ.د.ک)؛ اما به هر حال ضمن احترام به حقوق افراد، آنجایی که قانون تعیین و تجویز نماید و یا احترام به حق فردی موجب ضایع شدن حق فرد و یا افراد محترم دیگری گردد، این حق طبیعی قوای حاکم است تا با این تعرضات برخورد قانونی نمایند.

بررسی ماده ششم از فرمان امام(ره)

در این ماده امام(ره) با اشاره به برخی از حقوق افراد به جرم انگاری پرداخته‌اند که شاید بتوان این ماده را به ۵ قسمت تقسیم‌بندی کرد:

۱- **احترام به حریم افراد:** «هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی، بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه، تعقیب و مراقبت نماید.» (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۴۱)

۲- **احترام به حیثیت افراد:** «[هیچ کس حق ندارد] نسبت به فردی اهانت نموده اعمال غیرانسانی - اسلامی مرتکب شود.» (همان)

۳- **منع شنود مکالمات:** [هیچ کس حق ندارد] به تلفن، نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه برای کشف گناه و جرم هر چند بزرگ باشد شنود بگذارد. (همان)

۴- **منع تجسس و افشاء اسرار دیگران:** و یا [هیچ کس حق ندارد] به دنبال اسرار مردم باشد، تجسس از گناه غیر نماید، اسراری که از غیر به او رسیده است [را] ولو برای یک نفر فاش کند. (همان)

۵- **جرم انگاری از سوی امام(ره):** تمام این‌ها جرم و گناه است و بعضی از آنها اشاعه فحشا و گناهان از کبائر بزرگ است و مرتکبین هریک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی می‌باشد. (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۴۰-۱۴۱)

قسمت اول: احترام به حریم افراد

از نظر منطق شرع و قانون، منزل شخص و کار او بایستی از مصونیت برخوردار باشد تا انسان بتواند احساس آرامش کرده و در این احساس به زندگی آرام و دور از اضطراب بپردازد. امام(ره) در این ماده با تذکر به این مهم بار دیگر از واژه «هیچ کس» بهره می‌گیرند تا حجت بر همگان تمام شده باشد. این مصونیت را قانون اساسی هم در اصل ۲۲ خود پذیرفته است که پیش از این گذشت و باز قانون اساسی در رابطه با مشاغل افراد، دولت را موظف می‌کند تا با رعایت حق جامعه و افراد و تأمین فضای برخورداری افراد از مشاغل گوناگون، برای همه امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید (اصل ۲۸ ق.ا) و

حق است که این دو رکن بنیادی زندگی هر فرد یعنی خانه و شغل از تعرض مصون نگه داشته شود (اصل ۲۲ ق.ا).

در مورد شغل افراد هم قانون مجازات اسلامی دارد که: «هرکس با هیاهو و جنجال و حرکات غیرمتعارف یا تعرض به افراد موجب اخلال نظم و آسایش و آرامش عمومی گردد یا مردم را از کسب و کار باز دارد به حبس از ... ماه تا ... سال و تا ... محکوم خواهد شد» (ماده ۶۱۸ ق.م.ا).

قسمت دوم: احترام به حیثیت افراد

در اصل ۲۲ قانون اساسی گذشت که حیثیت افراد از نظر قانون محترم است و لذا هر نوع اهانت به حیثیت افراد ممنوع و مستوجب کیفر است. در قانون اساسی درباره برخورد با متهمین و حتی مجرمین آمده است که: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است» (اصل ۳۹ ق.ا). بدیهی است وقتی هتک چنین افرادی ممنوع و موجب مجازات است اهانت به دیگران به طریق اولی نکوهیده خواهد بود. فصل پانزدهم از کتاب پنجم قانون مجازات‌های اسلامی به هتک حرمت اشخاص پرداخته است.

از دیگر عبارات این ماده «اعمال غیرانسانی - اسلامی» است، که به حق بیانگر این است که هر شخصی پیش از آنکه مسلمان باشد و زیر چتر اسلام از مصونیت بهره بگیرد به واسطه انسان بودنش هم می‌تواند از این موهبت بهره‌مند شود. امام علی(ع) در نامه شکوهمند خود به مالک اشتر نخعی مردم را به دو دسته تقسیم فرموده و می‌آوردند که: فانهم صنفان: اخ لک فی الدین او نظیر لک فی الخلق. [مردم] دودسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته‌ای دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند (نهج البلاغه، ص ۴۰۵). ق.ا هم می‌آورد: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند» (اصل ۲۰ ق.ا).

قسمت سوم: منع شنود مکالمات

در ادامه این ماده حضرت امام(ره) هر نوع استماع یا شنود گذاردن را به هر علتی ولو به بهانه کشف جرم یا کشف مرکز گناه ممنوع می‌دانند. ق.ا دارد که: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون» (اصل ۲۵ ق.ا). و چون عبارت «مگر به حکم قانون» را آورده است تبصره زیر نیز قابل ملاحظه است:

«کنترل تلفنی افراد جز در مواردی که به امنیت کشور مربوط است و یا برای احقاق حقوق اشخاص به نظر قاضی ضروری تشخیص داده شود ممنوع است» (تبصره ماده ۱۰۴ آ.د.ک).

قسمت چهارم: منع تجسس و افشای اسرار دیگران

حضرت امام(ره) در این قسمت تجسس در گناهان دیگران را نکوهیده دانسته‌اند. اصل ۲۵ ق.ا می‌آورد که: «... هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون». و در آن واژه «تجسس» به طور مطلق آورده می‌شود. به هر حال این امر از نظر مقنن پذیرفته شده است که کسی حق تجسس در امور را جز به اجازه قانون ندارد؛ حتی

برای مقام قضایی هم جهاتی را تعیین نموده است که با وجود آنها می‌توان شروع به تحقیقات و رسیدگی کرد (ماده ۶۵ آ.د.ک) آن هم منوط به ارجاع مقام قضایی است (تبصره همان ماده) و بدون این جهات حتی مقام قضایی هم حق دخالت و تجسس را ندارد.

در ادامه این قسمت، امام (ره) با دو عبارت «دنبال اسرار مردم باشد» و «اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند»، دو عمل نکوهیده دیگر را متذکر می‌شوند این دو برای همه افراد قابل تصور و تحقق است؛ اما باید دانست که قانونگذار ما، تنها افشای اسراری را جرم دانسته است که سرّ در رابطه با شغلشان به ایشان سپرده شده باشد. لذا در قانون می‌آید: «اطبا و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند، هرگاه در غیر از موارد قانونی اسرار مردم را افشا کنند به ... محکوم می‌شوند.» (ماده ۶۴۸ ق.م.ا).

قسمت پنجم: جرم انگاری از سوی امام (ره)

در این ماده حضرت امام (ره) با یک جرم انگاری نیکو عبارت «تمام اینها جرم و گناه است» را می‌آورند که ما در هر مورد از آنها به جرم انگاری مقنن هم اشاره کردیم و نیازی به توضیح مجدد دیده نمی‌شود. ایشان در ادامه بعضی از آنها را اشاعه فحشا می‌دانند. مثل توهین به کسی و او را مرتکب کار حرامی دانستن؛ مثلاً کسی را با لفظی که دلالت بر مساحقه نماید مورد توهین قرار دهد (تبصره ۲ ماده ۱۴۰ ق.م.ا) که مستحق تعزیر شرعی است. در ادامه باز امام (ره) می‌فرماید: «بعضی از آنها موجب حد شرعی می‌باشد» (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۴۱) که مهم‌ترین آنها توهین مشمول حد قذف است. مقنن می‌آورد که: «قذف نسبت دادن زنا یا لواط است به شخص دیگری» (ماده ۱۳۹ ق.م.ا). البته بنده حقیر در بقیه موارد مذکور در این ماده - به جز همین مورد - جرمی دیگر که مستحق حد شرعی باشد پیدا نکردم مگر در عبارت «اعمال غیرانسانی - اسلامی» اعمالی که مستوجب حد شناخته شده‌اند را هم داخل نمایم.

بررسی ماده هفتم از فرمان امام (ره)

این ماده از نظر حجم لغات طولانی‌ترین ماده می‌باشد و شاید بتوان این ماده را هم به پنج قسمت عمده تقسیم کرد:

۱ - استثنایی بر مواردی که قبل از این ممنوع اعلام شد: «آنچه ذکر شد و ممنوع اعلام شد در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه‌ها و گروهک‌های مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است که در خانه‌های امن و تیمی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و ترور شخصیت‌های مجاهد و مردم بی‌گناه کوچک و بازار، و برای نقشه‌های خرابکاری و افساد فی الأرض اجتماع می‌کنند و محارب خدا و رسول می‌باشند.» (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۴۱)

۲ - نحوه برخورد با این توطئه‌گران و مخالفان: «که با آنان در هر نقطه که باشند و همچنین در جمیع ارگان‌های دولتی و دستگاه‌های قضایی و دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها و دیگر مراکز با قاطعیت و شدت عمل ولی با احتیاط کامل عمل شود، لکن تحت ضوابط شرعی و موافق دستور دادستان‌ها و دادگاه‌ها، چرا که تعدی از

حدود شرعیه حتی نسبت به آنان نیز جایز نیست؛ چنانچه مسامحه و سهل‌انگاری نیز نباید شود. و در عین حال مأمورین باید خارج از حدود مأموریت که آن هم منحصر است به محدوده سرکوبی آنان حسب ضوابط مقرر و جهات شرعیه عملی انجام ندهند.» (همان)

۳ - یک تذکر دیگر : «و مؤکداً تذکر داده می‌شود که اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آنجا با آلت لهو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدره برخورد کردند حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند چرا که اشاعه فحشا از بزرگترین گناهان کبیره است و هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید. فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند. و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می‌باشد.» (همان)

۴ - اشتغال به جمع و پخش مواد مخدر: «اما کسانی که معلوم شود شغل آنان جمع مواد مخدره و پخش بین مردم است، در حکم مفسد فی الأرض و مصداق ساعی در ارض، برای فساد و هلاک حرث و نسل است، و باید علاوه بر ضبط آنچه از این قبیل موجود است آنان را به مقامات قضایی معرفی کنند.» (همان)

۵ - منع صدور حکم ابتدایی : «و همچنین هیچ یک از قضات حق ندارند ابتدائاً حکمی صادر نمایند که به وسیله آن مأموران اجرا اجازه داشته باشند به منازل یا محل‌های کار افراد وارد شوند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه‌های دیگر علیه نظام جمهوری اسلامی، که صادر کننده و اجرا کننده چنین حکمی مورد تعقیب قانونی و شرعی است.» (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۴۱-۱۴۲)

قسمت اول : استثنایی بر مواردی که قبل از این ممنوع اعلام شد

در مواد قبل متذکر شدیم که امام (ره) با یک جرم انگاری پس از ذکر برخی اعمال آنها را گناه و جرم و مرتکبین را مجرم و مستحق تعزیر دانستند. در این قسمت ایشان مواردی را متذکر می‌شوند که توطئه‌گران و مخالفان نظام ج ۱ را محارب خدا و رسول (ص) دانسته که در خانه‌های امن و تیمی به یکی از منظوره‌های پنج گانه ذیل اجتماع می‌کنند :

۱- براندازی نظام ج ۱ : اصل ۱۴ ق.ا می‌آورد که : «... دولت جمهوری اسلامی ایران موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند». سپس در ادامه آمده است: «این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند» (اصل ۱۴ ق.ا). البته مواد ۱۸۶ تا ۱۸۸ ق.م.ا را هم متذکر می‌شویم.

۲ و ۳- ترور شخصیت‌های مجاهد و مردم بی‌گناه کوچک و بازار : هر نوع سوء قصد به جان رهبر و رؤسای قوای سه گانه و مراجع بزرگ تقلید به طور مجزا جرم انگاری شده است (در ماده ۵۱۵ ق.م.ا)، حتی سوء قصد به مقامات سیاسی خارجی (ماده ۵۱۶ ق.م.ا). همچنین قانون می‌آورد که : «هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی بنمایند که علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم اقدام نمایند و مقدمات اجرایی را هم تدارک دیده

باشند ولی بدون اراده خود موفق به اقدام نشوند حسب مراتب به محکوم خواهند شد.» (ماده ۶۱۱ ق.م.ا) و واژه «اقدام» مطلق است لذا ترور و غیر آن را در بر خواهد گرفت.

۴ - **خرابکاری** : در ماده ۶۸۷ ق.م.ا آمده است : «هرکس در ... مرتکب تخریب یا ایجاد حریق یا از کار انداختن، یا هر نوع خرابکاری دیگر شود بدون آن که منظور او اخلال در نظم و امنیت عمومی باشد، به ... محکوم خواهد شد.» و در تبصره همان ماده می‌آورد: «در صورتی که اعمال مذکور به منظور اخلال در نظم و امنیت جامعه و مقابله با حکومت اسلامی باشد مجازات محارب را خواهد داشت» (ماده ۶۸۷ ق.م.ا و تبصره آن).

۵ - **فساد در ارض** : این جرم در اسلام از جرایم مستحق حد انگاشته شده است . مقنن ما هم در کتاب حدود برای محاربه و فساد در زمین حد تعیین نموده است (مواد ۱۸۳ تا ۱۹۶ ق.م.ا) و در تعریف آن آورده است : «هرکس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه برد محارب و مفسد فی الارض می‌باشد» (ماده ۱۸۳ ق.م.ا). به هر حال به طور کلی هر نوع اجتماع یا تبانی در جرایم ضد امنیت داخلی یا خارجی کشور از سوی گروهی (دو نفر یا بیشتر) صورت گیرد و یا حتی وسایل ارتکاب آنها فراهم شود چنانچه عنوان محارب به آن صدق نکند مستحق کیفر مقرر در قانون (ماده ۶۱۰ ق.م.ا) خواهد بود (فصل اول از کتاب پنجم ق.م.ا به جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور می‌پردازد که تذکر تمام آنها خارج از حوصله این مقاله است).

قسمت دوم : نحوه برخورد با این توطئه‌گران و مخالفان

در این قسمت پنج عبارت «قاطعیت» (ماده ۲۸۳ آ.د.ک) ، «شدت عمل» (بند ج ماده ۳۲ آ.د.ک) ، «احتیاط کامل» (ماده ۱۰۳ آ.د.ک) ، «تحت ضوابط شرعیه» (اصل ۱۶۶ ق) و «موافق دستور دادستان‌ها و دادگاه‌ها» (ماده ۱۶ و ۴۲ آ.د.ک) در کلام امام (ره) آمده است و چهارچوب برخورد با این افراد را تعیین می‌کند که ما، قبل از این به هریک از آنها و یا عبارات پیرامون آنها بحث کرده‌ایم در ادامه متذکر می‌شویم که «سهل‌انگاری نیز نباید شود» (ماده ۴۵ آ.د.ک) و دیگر اینکه «مأمورین باید خارج از حدود مأموریت که آن هم منحصر است به محدوده سرکوبی آنان، حسب ضوابط مقرر و جهات شرعیه اقدامی نکنند» (ماده ۳۸ آ.د.ک). مجازات‌هایی که در فصل دهم از کتاب پنجم ق.م.ا تحت عنوان «تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی» آمده است مبین و دلایلی در تطابق با این جرایم است؛ لکن ذکر همه آنها که مواد ۵۷۰ تا ۵۸۷ ق.م.ا را در بر گرفته است منتج به اطلاع کلام خواهد شد. لذا این حقیر خوانندگان محترم را به این مواد رهنمون می‌گردد.

قسمت سوم : یک تذکر دیگر از سوی امام (ره)

عبارت از روی «خطا و اشتباه» مبین این است که هر گونه تقصیر و یا اشتباه در مقامات قضایی راه دارد و ایشان هم به واسطه انسان بودن از امکان خطا کردن مصون نیستند. اصل ۱۷۱ قانون اساسی هم آن را پذیرفته است؛ لکن مهم نحوه برخورد در صورت چنین اشتباهی است. حضرت امام (ره) با عبارت «موکداً تذکر داده می‌شود» اهمیت این تذکر را گوشزد می‌فرمایند و در ادامه به نکوهیده بودن افشای اسرار دیگران می‌پردازند که در مباحث قبلی بدان پرداخته شد.

باز می‌فرمایند «هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید». (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۴۱) هتک حرمت افراد در فصل ۲۷ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (مواد ۶۹۷ تا ۷۰۰) تعیین مجازات شده است و تعدی از ضوابط شرعیه طبق اصل ۱۷۰ ممنوع است. حضرت (ره) متذکر می‌شود که در صورت برخورد با موارد فوق فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است اقدام نماید. البته برکسی پوشیده نمانده است که در فقه اسلامی برای امر معروف و نهی از منکر شرایط و مراتبی آورده شده است که مراتب آن در رسائل علمای دین و رساله حضرت امام (ره) آمده است.

به هر حال در ادامه امام (ره) در فرمان هدایتگر خود می‌آورند که مأمورین حق جلب یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند که در این باره ما بار دیگر اصول ۱۴، ۲۰، ۳۲ و ۳۹ را متذکر می‌شویم.

در عبارت بعدی می‌آورند که «تعدی از حدود الهی ظلم است»، که این کلام آشنا در قرآن هم آمده است (سوره طلاق آیه ۱).

قسمت چهارم: اشتغال به جمع و پخش مواد مخدر

در این قسمت، امام (ره) ضمن احترام به حقوق افراد متذکر می‌شوند: «کسانی که معلوم شود شغل آنان جمع مواد مخدره و پخش بین مردم است در حکم مفسد فی الأرض و مصداق ساعی در ارض برای فساد و هلاک حرث و نسل است». (همان) مجمع تشخیص مصلحت نظام هم در قانون مبارزه با مواد مخدر (مصوب ۶۷/۸/۳۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام) در ماده ششم می‌آورد که: «مجازات مرتکب به جرایم مذکور در بندهای ۱ و ۲ و ۳ مواد ۴ و ۵، ... در موارد مذکور در فوق چنانچه در نتیجه تکرار جرم مجموع مواد مخدر به بیش از پنج کیلوگرم برسد مرتکب در حکم مفسد فی الأرض است و به مجازات اعدام محکوم می‌شود.

حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی محکوم و در ملاء عام اجرا می‌گردد.»

در ادامه امام (ره) می‌فرمایند که: «باید علاوه بر ضبط آنچه از این قبیل موجود است آنان را به مقامات قضایی معرفی کنند». (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۴۱) که البته اصل ۴۹ ق.ا. هم برای دولت تعیین تکلیف نموده و می‌آورد که: «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا و ... دایرکردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.» و با توجه به الزام دولت در این اصل، مجلس شورای اسلامی در ۶۰/۵/۲۰ قانون تک‌ماده‌ای «الزام دولت جهت تهیه لایحه پیاده کردن اصل ۴۹ قانون اساسی» را به تصویب رساند تا اینکه در ۶۳/۵/۱۷ قانون «نحوه اجرای اصل ۴۹ ق.ا.» را به تصویب رساند و در مورخه ۶۴/۶/۴ دستورالعمل اجرایی قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ ق.ا. به تصویب شورای عالی قضایی رسید و بالاخره «قانون شمول اجرای قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ ق.ا. در مورد ثروت‌های ناشی از احتکار و گرانفروشی و قاچاق» در مورخه ۶۸/۱۱/۲۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. البته ماده ۲۸ قانون مبارزه با مواد مخدر هم می‌آورد که: «کلیه اموالی که از راه قاچاق به دست آمده باشد به نفع دولت ضبط می‌شود.»

عبارت «آنان را به مقامات قضایی معرفی کنند» به معنای انحصار معرفی مجرمین در ایشان نیست؛ بلکه - حداقل اخلاقاً - بر هرکسی لازم است که چنان چه وجود یا شغل برخی افراد را مخل نظم و امنیت عمومی دانست مراتب را به مأمورین ذی‌ربط اطلاع دهد.

قسمت پنجم: منع صدور حکم ابتدایی

واژه «ابتدائاً» در این قسمت از ماده، به خوبی نشان می‌دهد که این عمل وقتی که «ظن قوی» کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم، در آن محل وجود داشته باشد قانونی است (ماده ۹۶ آ.د.ک) و حتی چنانچه مغایر حقوق اشخاص باشد لکن در صورتی که از حقوق آنها مهم‌تر باشد مجاز خواهد بود (ماده ۹۷ آ.د.ک). و باز عبارت «نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه‌های دیگر علیه نظام جمهوری اسلامی» بیانگر این است که در این موارد دیگر نیازی به رعایت این قوانین و سایر قوانین مرتبط نیست که البته اصل ۱۴ ق.ا. که پیش از این بارها از نظر گذشته است هم مؤید همین است. در آخر این اصل می‌آید: «... این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند» (اصل ۱۴ ق.ا). «اجرا کننده چنین حکمی مورد تعقیب قانونی و شرعی است» که این عبارت با ماده ۵۸۰ ق.م.ا مطابقت دارد و یا بهتر است بگوییم که این ماده با این عبارت از فرمان تطابق دارد چرا که مؤخرالتصویب است.

بررسی ماده هشتم از فرمان امام (ره)

ماده پایانی این فرمان تذکرات نهایی امام (ره) می‌باشد که شاید بتوان آن را به سه قسمت تقسیم کرد:

۱- **جلوگیری از تخلف مأمورین و انتخاب هیئتی برای رسیدگی به شکایات:** «جناب ... رئیس دیوانعالی کشور و جناب آقای نخست وزیر موظفند شرعاً از امور مذکور، با سرعت و قاطعیت جلوگیری نمایند و لازم است در سراسر کشور، در مراکز استانداری‌ها و فرمانداری‌ها و بخش‌داری‌ها، هیأت‌هایی را که مورد اعتماد و وثوق می‌باشند انتخاب نمایند، و به ملت ابلاغ شود که شکایات خود را در مورد تجاوز و تعدی مأمورین اجرا که به حقوق و اموال آنان سر می‌زند بدین هیأت‌ها ارجاع نمایند. و هیأت‌های مذکور نتیجه را به آقایان تسلیم و آنان با ارجاع شکایات به مقامات مسئول و پیگیری آن، متجاوزین را موافق با حدود و تعزیرات شرعی مجازات کنند.» (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۴۲)

۲- **چند تذکر مهم و نهایی:** «باید همه بدانیم که پس از استقرار حاکمیت اسلام و ثبات و قدرت نظام جمهوری اسلامی با تأیید و عنایات خداوند قادر کریم و توجه حضرت خاتم‌الاولیاء و بقیة الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - و پشتیبانی بی‌نظیر ملت متعهد، ارجمند از نظام و حکومت، قابل قبول و تحمل نیست که به اسم انقلاب و انقلابی بودن - خدای نخواستہ - به کسی ظلم شود و کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق کریمه اسلامی از اشخاص بی‌توجه به معنویات صادر شود.

باید ملت از این پس که حال استقرار و سازندگی است احساس آرامش و امنیت نمایند و آسوده خاطر و مطمئن از همه جهات به کارهای خویش ادامه دهند و اسلام بزرگ و دولت اسلامی را پشتیبان خود بدانند و

قوه قضاییه را در دادخواهی‌ها و اجرای عدل و حدود اسلامی در خدمت خود ببینند و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها را موجب آسایش و امنیت خود و کشور خود بدانند.

و این امور بر عهده همگان است و کار بستن آن موجب رضای خداوند و سعادت دنیا و آخرت می‌باشد و تخلف از آن موجب غضب خداوند قهار و عذاب آخرت و تعقیب و جزای دنیوی است.» (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۴۲-۱۴۳)

۳- دعا: «از خداوند کریم خواهانم که همه ما را از لغزش‌ها و خطاها حفظ فرماید و جمهوری اسلامی را تأیید فرموده و آن را به حکومت عالمی قائم آل محمد - صلی الله علیه و آله - متصل فرماید. انه قریب مجیب.» (همان، ص ۱۴۳)

قسمت اول: جلوگیری از تخلف مأمورین و انتخاب هیئتی برای رسیدگی به شکایات

حضرت امام (ره) در این ماده دو وظیفه را برای رئیس دیوان عالی کشور و نخست وزیر وقت تعیین نموده‌اند:

- ۱- با سرعت و قاطعیت از امور مذکوره (تقصیر و تعدی مأمورین) جلوگیری نمایند و این کار را وظیفه شرعی برای ایشان دانسته، با عبارت «موظفند شرعاً» به آن اشاره می‌نمایند.
- ۲- لازم است در سراسر کشور هیئت‌هایی را که مورد اعتماد و وثوق باشند انتخاب نمایند تا به شکایات مردم رسیدگی نمایند و به مردم ابلاغ شود تا شکایات خود را در مورد این امور به این هیئت‌ها ارجاع نمایند. هیئت‌های مذکور نتیجه را به آقایان تسلیم و ایشان با ارجاع و پیگیری، متجاوزین را مطابق قانون مجازات کنند. (همان، ص ۱۴۲)

منظور از عبارت «امور مذکوره» مواردی از تقصیرات مأمورین می‌باشد که در این فرمان به آنها اشاره شده است در فصل دهم از کتاب پنجم ق.م.ا، اموری به عنوان «تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی» جرم‌انگاری شده است که مواد ۵۷۰ تا ۵۸۷ این قانون را در برمی‌گیرد.

امام (ره) چند عمل را در این ماده لازم می‌داند:

- ۱- هیئت‌هایی را که مورد اعتماد و وثوق می‌باشند انتخاب نمایند.
- ۲- به ملت برای طرح شکایات از موارد تجاوز و تعدی مأمورین به این هیأت‌ها ابلاغ صورت گیرد.
- ۳- هیأت‌های مذکور نتیجه را به آقایان (ذی‌ربط) منتقل نمایند.
- ۴- آنان با ارجاع شکایات به مقامات مذکور و پیگیری آن، متجاوزین را با حدود و تعزیرات شرعی مجازات کنند. (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۴۲)

در اصل ۱۷۳ ق.ا آمده است: «به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام عدالت اداری زیر نظر قوه قضاییه تاسیس می‌گردد.» (اصل ۱۷۳ ق.ا) و همچنین است: «... بر اساس حق نظارت قوه قضاییه به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضاییه تشکیل می‌گردد» (اصل ۱۷۴ ق.ا).

اما چنانچه گفته شود که منظور، هیئت‌های مستقر در فرمانداری و استانداری و بخشداری بوده است و نه غیر آن، بایستی گفت که به‌حمد الله امروزه در تمام مراکز و ارگان‌ها قسمتی با عنوان «رسیدگی به شکایات مردمی» تحت قوانین و ضابطه‌مند تأسیس و مشغول به کار شده‌اند؛ ولی هدف ما از اشاره به دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور به علت بیشتر ملموس بودن این دو نهاد و از سویی با عنایت به اینکه اعمال قوه قضاییه از طریق دادگاه‌ها و دادگستری می‌باشد (اصل ۶۱ ق.ا) بوده است. و البته بد نیست در اینجا به اصل ۹۰ قانون اساسی هم اشاره شود. به واژه «هر کس» در این اصل باید توجه کرد: «هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضاییه داشته باشد می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضاییه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید» (اصل ۹۰ ق.ا).

قسمت دوم: چند تذکر مهم و نهایی

حضرت امام (ره) در ادامه چند چیز را سبب استقرار حاکمیت اسلام و ثبات و قدرت نظام جمهوری اسلامی می‌دانند: ۱- تأیید و عنایت خداوند قادر کریم (که این دو صفت به زیبایی تمام به کار برده شده‌اند. خداوند که قدرت یاری را داشت و قدرت او برتر از همه قدرت‌هاست و از روی کرم خود این عنایت را شامل مردم ما کرد). ایشان در وصیت نامه سیاسی الهی خود می‌فرمایند: «ما می‌دانیم که این انقلاب بزرگ که دست جهان‌خواران و ستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد با تأییدات غیبی الهی پیروز گردید» (امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۰۱). ۲- توجه حضرت خاتم الاوصیا (ص) و بقیة الله (عج) ۳- پشتیبانی بی‌نظیر ملت متعهد ارجمند از نظام و حکومت که امام (ره) درباره آنان می‌فرمایند: من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله - صلی الله علیه و آله - و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی - صلوات الله و سلامه علیهما - می‌باشند (همان، ج ۲۱، ص ۴۱۰).

و می‌فرمایند که: «قابل قبول و تحمل نیست که به اسم انقلاب و انقلابی بودن خدای نخواستہ به کسی ظلم شود و کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق کریم اسلامی از اشخاص بی‌توجه به معنویات صادر شود». (همان، ج ۱۷، ص ۱۴۲) سپس چند امر را به عنوان حق ملت برمی‌شمارند که عبارت‌اند از: ۱- باید ملت ۱- از این پس که حال استقرار و زندگی است احساس آرامش و امنیت نمایند، ۲- آسوده خاطر و مطمئن از همه جهات به کارهای خویش ادامه دهند، ۳- اسلام بزرگ و دولت اسلامی را پشتیبان خود بدانند، ۴- قوه قضاییه را در دادخواهی‌ها و اجرای عدل و حدود اسلامی در خدمت خود ببینند، ۵- قوای نظامی و انتظامی سپاه پاسداران و کمیته‌ها را موجب آسایش و امنیت خود و کشور خود بدانند و با عبارت «و این امور بر عهده همگان است» این شائبه را که مخاطب این نامه صرفاً قوه قضاییه و ارگان‌های دولتی هستند برطرف کرده و انجام این مهم را برعهده همگان می‌گذارند. لذا به کار بستن این امر را موجب رضای خداوند و سعادت دنیا و آخرت می‌دانند و تخلف از آن را موجب غضب خداوند قهار و عذاب آخرت و تعقیب و جزای دنیوی برمی‌شمرند. (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۴۲-۱۴۳)

قسمت سوم: دعا

در نهایت حضرت امام (ره)، این فرمان هدایتگر را ختم به دعا نموده‌اند.

Archive of SID

منابع و مأخذ

- ۱) نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات قدس.
- ۲) آشوری، محمد، (۱۳۸۵) آیین دادرسی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات سمت.
- ۳) امامی، حسن، (۱۳۷۸) حقوق مدنی، تهران، انتشارات اسلامیه.
- ۴) حبیب‌زاده، محمد جعفر، (۱۳۸۵) حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اموال)، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- ۵) زراعت عباس، (۱۳۸۵) حقوق جزای اختصاصی، چاپ دوم، قم، انتشارات فکرسازان.
- ۶) صحیفه امام (مجموعه ۲۲ جلدی بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، (۱۳۸۵)، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- ۷) منصور جهانگیر، (۱۳۸۶) متن تجدید نظر شده قانون اساسی جمهوری اسلامی (مصوبه ۶/۵/۶۸) و مقدمه آن، چاپ پنجاهم، تهران، انتشارات دوران.
- ۸) -----، (۱۳۸۵) قانون مجازات اسلامی (مصوب ۷۰/۹/۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام)، چاپ چهل و هشتم، تهران، انتشارات دوران.
- ۹) -----، (۱۳۸۵) قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (مصوب ۷۸/۱/۲۲ مجلس شورای اسلامی)، چاپ چهل و هشتم، تهران، انتشارات دوران.
- ۱۰) -----، (۱۳۸۶) قانون آئین دادرسی مدنی (مصوب ۷۱/۹/۲۱ مجلس شورای اسلامی)، چاپ چهل و هفتم، تهران، انتشارات دوران.
- ۱۱) -----، (۱۳۸۵) قانون آزادی‌های مشروع و احترام به حقوق شهروندی (مصوب ۸۳/۲/۱۶ مجلس شورای اسلامی)، چاپ پنجاهم، تهران، انتشارات دوران.
- ۱۲) -----، (۱۳۸۵) قانون تشکیل دادگاه‌های سیار (مصوب ۶۶/۶/۱)، چاپ پنجاهم، تهران، انتشارات دوران.
- ۱۳) -----، (۱۳۸۶) قانون مبارزه با مواد مخدر (مصوب ۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام)، چاپ پنجاهم، تهران، انتشارات دوران.
- ۱۴) -----، (۱۳۸۶) قانون رسیدگی به صلاحیت قضات (مصوب ۷۶/۲/۱۷ مجلس شورای اسلامی)، چاپ پنجاهم، تهران، انتشارات دوران.